

برادران جاسوس ایرانی کیستند؟

۲۹ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۵۱

برادران رشیدیان، از سال‌های پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خدمت دشمن بوده‌اند و نان خیانت و جاسوسی می‌خورده‌اند.

اسدالله - سیف‌الله و قدرت‌الله رشیدیان - این سه برادر، که کرمیت روزولت کارگردان کودتای ۲۸ مرداد و س - ام - و دهبوس، رهبر تیم جاسوسی M۱۶ (سازمان اطلاعات مرکزی انگلیس) به دفعات از آنها بنام «برادران» یاد کرده‌اند، از عوامل سابقه‌دار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و اینتل‌جنس سرویس بوده‌اند، و در بسیاری از توطئه‌های ضد ملی مشارکت و یا مداخله داشته‌اند.

کرمیت روزولت در توضیح عملیات کودتا، از دو برادر ایرانی که با او همکاری داشته‌اند بنام برادران «بوسکو» یاد کرده و گفته است «این دو برادر به غایت شایسته و فعال بودند و از جنبه سازمان دهندگی، در گذشته شایستگی خود را اثبات کرده بودند. ما مطمئن بودیم که به کمک این دو برادر، می‌توانیم در جلب حمایت «بازار» حساب کنیم».

روزولت می‌گوید این دو برادر، یکی وکیل دعاوی و دیگری روزنامه‌نویس بود. وی اعتراف می‌کند که تظاهرات روز ۲۸ مرداد (۱۹ اوت) را که هزینه آن ۷۵۰۰۰ دلار بود، یک شبکه شامل پنج تن ایرانی و سه تن آمریکائی سازمان دادند.

روزولت فاش می‌کند در مذاکراتی که پیرامون طرح براندازی دولت مصدق از طریق کودتا، با نمایندگان انگلیسی‌ها داشته است، آنها نیز ضمن تأکید درباره صلاحیت و کاردانی عوامل خود در ایران، مایل نبودند دو برادر ایرانی را که با آنها همکاری داشته‌اند، به ما معرفی کنند، سپس می‌افزاید: «چون نگران شده بودم مبدا این دو برادر، همان برادران «بوسکو» باشند، از کوچران پرسیدم «آیا آنها دو برادر نیستند؟ وی در پاسخ گفت: خیر» در این موقع مطمئن شدم که «بوسکو»ها، متعلق به ما هستند. سپس «کوچران» نام واقعی آنها را گفت که من آن اسامی را بازگو نخواهد کرد و آنان را «نونسی» و «کافرون» می‌نامم.»

س - ام - وودهبوس، رهبر گروه انگلیسی M۱۶ که در زمان حکومت دکتر مصدق مأمور خدمت در ایران بوده، در اتوبیوگرافی خود که به سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ میلادی) انتشار یافت درباره «برادران» ایرانی که با او همکاری داشته‌اند نوشته است: «... سه چهار جوان کارآموز در سفارت، درباره اطلاعات مربوط به ایران و کمونیست‌ها، به طور تخصصی کار می‌کردند... برجسته‌ترین میان آنها رابن زاینر Zeahner Robin بود که بعدها استاد ادیان شرقی در دانشگاه اکسفورد گردیده بود... او در جنگ جهانی دوم در تهران کار

می‌کرد. یکی از رابط‌های او فردی سوئسی بود بنام ارنست پرون Perron Ernest که از دوستان نزدیک شاه به شمار می‌رفت. زاینر با یک خانواده تاجر متمول که دو نفر از سرکردگان آن را ما فقط به نام «برادران» می‌شناختیم، تماس داشت... قرار بر این بود که «برادران» سنگ زیربنای برنامه‌های ما باشند. آنها علاوه بر ثروتشان، در دو زمینه تخصص داشتند؛ می‌توانستند در مجلس و بازار، افکار و آراء را تحت تأثیر قرار دهند، و از آن مهم‌تر، آنان می‌توانستند در خیابان‌ها جمعیت راه بیاندازند. امری که در سیاست ایران، نیروی توانمندی به شمار می‌رفت...»

وودهوس درباره چگونگی شناسایی خود با «برادران» گفته است: «... تا آن موقع، مسئولیت من در مقابل «برادران» تنها این بود که برای اقداماتی که از جانب ما انجام می‌دادند، پول تهیه کنم. این کار را از طریق فروش پوند در بازار آزاد انجام می‌دادم و ریال‌های به دست آورده را به زاینر می‌دادم تا به آنان رد کند. یک شب که زاینر ناخوش بود، از من تقاضا کرد با رابط او ملاقات کنم و پول را خودم به او بدهم. آن شب به محل ملاقات، در نقطه دورافتاده‌ای خارج از تهران رفتم. با آنکه تاریک بود، با حیرت بسیار متوجه شدم، مردی که برای دریافت پول آمده، همان شخص فروشنده ریال‌های روز قبل است!.»

سرپرست تیم جاسوسی M۱۶ پیرامون نقش «برادران» می‌گوید:

«ما دو نوع امکانات داشتیم؛ یکی تشکیلات شهری به سرپرستی «برادران» و دیگر گروهی از عشایر جنوب... تشکیلات شهری، افسران عالی‌رتبه ارتش و پلیس، نمایندگان مجلس شورا و سنا، تجار، سردبیران روزنامه‌ها، سیاستمداران سالخورده، و نیز، سردمداران برپاکننده تظاهرات را در بر می‌گرفت. این نیروها تحت سرپرستی «برادران» قرار بود کنترل تهران را - در صورت امکان با پشتیبانی شاه و در صورت لزوم، بدون حمایت وی - بدست آورند.»

وودهوس، هزینه طرح این عملیات را در ایران و دست‌مزدی که به «برادران» پرداخت شده، فاش ساخته و گفته است «این طرح خرج زیادی داشت؛ شاید نیم میلیون پوند، علاوه بر مبلغ ده هزار پوندی که ماهانه به برادران می‌پرداختیم.»

رهبر تیم جاسوسی M۱۶ درباره هویت «برادران» ایرانی که با او همکاری می‌کردند و نیز نقش آنها در مقایسه با برادرانی که در خدمت آمریکایی‌ها و کرمیت روزولت بوده‌اند، می‌گوید: «... بر حسب اتفاق، توطئه‌گران روزولت نیز دو برادر بودند... ما ابتدا ترس داشتیم مبدا برادران اجیر شده، جفت واحدی باشند، اما خوشبختانه چنین نبود. هر دو جفت، با بازار، یا جامعه تجاری تماس‌های خوبی داشتند. جفت روزولت در تماس با ارتشی‌ها از ما سر بودند، و حال آنکه «برادران» ما، با شاه رابطه نزدیک‌تری داشتند.»

بریان لاپینگ، نویسنده کتاب معروف: پایان امپراطوری، با اشاره به تلگرام سر جرج میدلتن middleton George Sir کاردار سفارت انگلیس در تهران به لندن، که طی آن لزوم براندازی دولت مصدق را از طریق کودتا، تأکید کرده، درباره نقش برادران رشیدیان چنین نوشته است:

«ترتیب اجرای این اقدام مهم بوسیله انگلیسی‌ها، به دقت فراهم شده بود. برخی از جزئیات این امر روشن شده است از قبیل تطمیع نمایندگان مجلس، پرداخت پول به سرکردگان گروه‌ها، برای کشاندن آشوبگران به خیابان‌ها، و مقابله با تظاهرات خودجوش طرفداران مصدق. این عملیات به طور وسیع توسط سه برادر، به نام‌های سیف‌الله، قدرت‌الله و اسدالله رشیدیان، برای انگلیسی‌ها صورت می‌گرفت. یکی از این سه برادر، دوست نزدیک و از یاران شاه بود و دیگری بازرگان و صاحب سینما. رشیدیان طی جنگ (جهانی دوم) در جلب حمایت نمایندگان مجلس، به سود انگلیسی‌ها، رابین زاینر را یاری کرده بودند و اکنون نیز به زاینر، وودهوس و همکارانشان کمک می‌کردند. هر سه برادر، بطور مرتب به لندن سفر می‌کردند. در هتل گراس ونور Grosvenor مشرف به هایدپارک، آپارتمان خانوادگی داشتند. بچه‌هایشان را برای تحصیل به مدارس انلیس می‌فرستادند ... رشیدیان‌ها، سرمایه خود را در این راه به کار انداخته بودند. به گفته یکی از مسئولان MI۶ چمدان‌های پولی که او مأمور تحویل آنها به زاینر بود، بیش از یک میلیون و نیم لیره بود. این مبلغ پاداش ساده‌ای بود در مقابل کاری که برادران انجام داده بودند.»

برادران رشیدیان، از سال‌های پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خدمت دشمن بوده‌اند و نان خیانت و جاسوسی می‌خورده‌اند. پدرشاه حبیب‌الله رشیدیان نیز از هنگام به قدرت رسیدن رضاخان سردار سپه، به همکاری با انگلیسی‌ها شهرت داشته است. آقای دکتر انور خامه‌ای که در سال‌های پیش از ۱۳۲۰، همراه گروه مرحوم دکتر ارانی در زندان بوده، در کتاب جالب «پنجاه نفر و سه نفر» درباره حبیب‌الله رشیدیان، که او نیز در آن دوران در زندان قصر بسر می‌برده، چنین روایت کرده است: «... عجیب‌ترین چهره‌ای که در این «بند» وجود داشت، پیرمردی بود بنام حبیب‌الله رشیدیان. می‌گفتند از زمان سلطنت رضاشاه، زندانی بوده است، همچنین می‌گفتند قبل از به سلطنت رسیدن رضاشاه و در زمان سردار سپه‌ی او، یکی از عوامل مهم انگلیس و رابط میان رضاشاه و انگلیسی‌ها بوده است... بهر حال، آنچه مسلم است، او از اسرار مهمی اطلاع داشت و بهمین مناسبت او را به این صورت در زندان نگاه داشته بودند. اما پلیس خیلی به او احترام می‌گذاشت... هر هفته پسرهایش؛ اسدالله، سیف‌الله و قدرت‌الله، و دختر و داماد و کس و کارش به ملاقات او می‌آمدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، او را با احترام از زندان آزاد کردند و هنگامی که سید ضیاءالدین با برنامه‌های خاص خود به ایران برگشت و حزب «اراده ملی» را تشکیل داد، حبیب‌الله رشیدیان، مشاور مخصوص او گردید. پسرانش از قبل سید ضیاءالدین ثروت‌های کلان اندوختند و به مهره‌های مهم اقتصادی و سیاسی کشور مبدل گردیدند.»

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۸۵۷/برادران-جاسوس-ایرانی-کیستند>